برنامه و بودجه

کاربرد لفظ برنامه و بودجه در متون اقتصادی کشور، بعداز نهضت مشروطیت در ایران معمول شده است . پیشتر نیز، گونه ای برنامه ریزی مالی برای درآمدها و هزینه ها تحت عناوین «دستورالعمل » و «کتابچة دخل وخرج » معمول بوده است .

نخستین دورة قانونگذاری مشروطه ، پس از بررسی مشکلات بسیار مالی کشور، زمینه های تهیه و تنظیم نظام مالیة جدیدی را فراهم آورد، و در دومین دورة قانونگذاری مجلس ایران و در 1289 ش ، اولین قانون محاسبات عمومی کشور، که در آن به اصول تهیه و تصویب و اجرای بودجة دولت پرداخته شده بود، از تصویب گذشت و در همان سال اولین بودجة کشور نیز تنظیم شد ( رجوع کنید به رزاقی ، ص 13(. علی رغم تلاشهای صنیع الدوله ، با قتل وی ، کار تهیه و تنظیم و تصویب بودجه در کشور به حالت تعلیق درآمد و با هرج و مرج داخلی ، تا سالها بعد، امکان تصویب بودجه فراهم نگردید. با ورود میلسپو ، متخصص آمریکایی در علوم سیاسی ، به ایران ، پایان جنگ جهانی اول (1914ـ 1918) و شروع کار چهارمین دورة قانونگذاری در ایران ، تا 1320 ش ، همه ساله بودجة دولت ایران تهیه و در مجلس تصویب می شد، ولی از 1322 ش با حضور متفقین در ایران ، مجدداً تهیه و تصویب بودجة کشور تا 1334 ش ، به مدت دوازده سال ، به تعویق اقتاد. با پایان یافتنِ جنگ جهانی دوم (1939ـ 1945) که به اشغال ایران و شرایط نامساعد اقتصادی انجامیده بود، موضوع برنامه ریزی منظم اقتصاد ایران ـ که در سالهای دهة 1310 ش نیز از آن سخن در میان بود ـ به صورت جدی مطرح شد. ازینرو، و به منظور تنظیم «برنامة عمران ملّی »، در 1325 ش هیئت پنجاه نفری برنامه تشکیل شد که بعداً به شورای عالی برنامه تغییر یافت ( رجوع کنید به ابتهاج ، ج 1، ص 312). برنامة پیشنهادی این هیئت ، پس از اصلاحات پیشنهادی بانک بین المللیِ ترمیم و توسعة وقت ، و به منظور اختصاص وام 250 میلیون دلاری برای اجرای آن ، در 1328 ش با عنوان «برنامة اول عمرانی » ایران از تصویب مجلس گذشت ( رجوع کنید به توفیق ، ص 16ـ17؛ سازمان برنامه و بودجه ، ص 8). در 1327 ش نیز سازمان برنامة ایران برای اجرای این برنامه تأسیس شد (سازمان برنامه و بودجه ، همانجا). اما با تحولات 1329 ش بر اثر ملی شدن صنعت نفت ، و قطع درآمدهای نفتی و کمکهای بانک جهانی ، پیگیری برنامة مزبور تا 1334 ش متوقف شد. همزمان با تصویب برنامة دوم عمرانی ایران در 1334 ش ، برنامة هفت سالة دوم ایران با اولویت اتمام طرحهای نیمه تمام برنامة اول در چهار عنوان (کشاورزی ، ارتباطات و مخابرات ، صنایع و معادن ، خدمات و تسهیلات عمومی ) به اجرا گذارده شد و کار تهیه و تنظیم و تصویب بودجه های متعارف گذشته نیز آغاز گردید.

در 1339 ش ، اولین بودجة جامع کشور تهیه و به مجلس پیشنهاد شد و سپس وزارت داراییِ وقت تهیة «بودجة برنامه ای » را آغاز کرد. بدین ترتیب ، سالهای آغازین برنامة سوم عمرانی ایران که برای پنج سال تنظیم شده بود، شاهد یکی از مهمترین تحولات در ساختار اداری نظام مالی کشور بود. در 1343 ش ، در سازمان برنامه و بودجه دفتر مرکزی بودجه تشکیل شد و وظیفة تهیة بودجه برنامه ای از وزارت دارایی به سازمان برنامة وقت منتقل و عملاً سازمان برنامه به سازمان برنامه و بودجه تبدیل شد.

از آن تاریخ تا 1357 ش ، سال پیروزی انقلاب اسلامی ، سازمان برنامه وبودجه به صورت سازمانی وابسته به نخست وزیری ، وبه سمت وزیر مشاوری ، کار تهیه و تنظیم برنامة پنجسالة عمرانی چهارم وپنجم و سند نیمه تمام برنامة ششم را نیز دنبال کرد و در سالهای پایانی برنامة پنجم کشور،نظام جامع برنامه ریزی ، بودجه ریزی و طرح ریزی را به عنوان الگویی همه جانبه در کار برنامه ریزی و بودجه ریزی طراحی کرد و به اجرا نهاد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، ساختار اداری و قانونگذاری و تشکیلات داخلیِ سازمان برنامه و بودجه تحولات گسترده ای یافت که مهمترین آنها عبارت اند از: دگرگون شدن تشکیلات سازمان از نوعی طبقه بندی موضوعیِ وظایف برحسب برنامه ریزی ، بودجه ریزی ونظارت و مناطق کشور، به طبقه بندی این وظایف در چارچوب امور چهارگانة اقتصادی ، اجتماعی ، تولیدی و مناطق و سازماندهی مسئولیت برنامه ریزی و بودجه ریزی بخشهای خاص در چارچوب مدیریتهای تخصصی طراحی شده در قالب برنامه ها و سیاستهای کلان مصوب ؛ تبدیل شدن سازمان برنامه و بودجه به وزارت برنامه و بودجه ؛ تبدیل شدن پست وزیر مشاوری ریاست سازمان به پست وزیر برنامه و بودجه در طول جنگ عراق با ایران ؛ و تبدیل شدن پست وزیر برنامه و بودجه به معاونت ریاست جمهوری اسلامی ایران پس از اولین اصلاح در قانون اساسی کشور در 1368 ش . در این سالها، علاوه بر تلاش برای تهیه و تنظیم برنامة توسعة پنجسالة کشور (1361ـ1366 ش )، سازمان برنامه و بودجه دو سند برنامة پنجسالة اول و دوم توسعة اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ایران را تهیه کرده و از تصویب مجلس شورای اسلامی گذرانده است برنامة دوم برای دورة 1374ـ 1378 ش تدوین شده است.

بودجه چیست؟

بودجه به زبان ساده عبارت است از یک ابزار مدیریتی برای طراحی فعالیت های آینده مدیریت که شامل برآورد فروش, هزینه ها, تولید و غیره می باشد. بودجه بندی برای مشخص کردن نتایج مورد انتظار کسب و کار و خطوط عملیاتی ممکنی که در آینده باید برای دست یابی به این نتایج پیموده شود انجام می شود.

تاریخچه بودجه

● بودجه ریزی در ایران باستان

می گویند آینده از آن ملتی است که گذشته خود را می شناسد. یا به بیانی دیگر ملتی که گذشته خود را نمی شناسد، نمی تواند آینده اش را بسازد.معلوم نیست ایرانی های امروز مصداق این جمله باشند شاید هم گذشته را به خوبی می شناسند اما برای اثبات خودشان به گذشته بی اعتنا هستند.

در هر صورت چه آن را بشناسیم و بی اعتنایی کنیم و چه نشناسیم، در رفتار امروزمان نشانه های کاربست تجربه پیشینیان کمتر به چشم می خورد.

هدف از بودجه بندی

بودجه بندی اهداف اصلی زیر را دنبال می کند:

1 - ارزیابی دوره ای سیاست های مدیریت

2 - ایجاد مبنائی برای بررسی دستاوردهای صنعت

3 - کنترل هزینه ها در بخش های مختلف

4 - ایجاد برنامه ای برای پیشرفت سیستماتیک

5 - اتخاذ مبنائی برای هزینه کردن سرمایه

6 - ایجاد مبنائی برای کنترل کارکرد بخش های مختلف مربوط به سازمان تجاری از طریق بازبینی بازدهی و صرفه اقتصادی آنها .

مزایای بودجه بندی

مسئولیت عملکرد بخش ها تثبیت می شود. بنابراین کنترل لازم راروی تغییر و تحول مسئولیت اعمال می کند. موقعیت اقتصادی سازمان مربوطه مشخص و روشن می شود. کنترل عملکرد و بازدهی صنعت انجام می شود. با کنترل تمام سطوح سازمان, مدیریت بهبود می یابد. بنابراین بازدهی نیز بهبود می یابد. در هنگــام دریافت وام از بانک ها نشان دادن بودجه اهمیت زیادی دارد بــه طوریکه مــا می توانیم از موقعیت مالی سازمان مربوطه آگاه شویم .به سیاست گذاری های دوره های آتی کمک می رساند. تعیین نمودن قیمت محصول مفید است.

انواع بودجه:

۱- بودجه کل

۲- بودجه فروش

۳ - بودجه تولید

۴ - بودجه مالی

۵ - بودجه سرمایه گذاری

۶ - بودجه موجودی نقدی

۷ - سایر بودجه ها

خلاصه بندی بودجه

برای آماده کردن یک «خلاصه بودجه», سه سند مختلف مانند (۱) بودجه کل (۲) اظهارنامه درآمدهای بودجه و (۳) برگ موازنه بودجه مورد استفاده قرار می گیرند.

بودجه کل نتایج مورد انتظار تمام بودجه های حمایت کننده را به یکدیگر ملحق نموده و شامل اهداف فروش,اهداف تولید و اهداف سایر فعالیت ها می باشد. بودجه کل به تنهائی قادر به نشان دادن سود زائی برنامه بودجه بندی نیست. بنابراین به منظور اطمینان یافتن از درآمدهای آینده در طی دوره بودجه, «بودجه دخل و خرج» به شکل مناسبی تهیه می شود و در آن هم نتایج تجاری و هم نتایج خالص با اصطلاحات مالی بیان می شود. گاهی هم لازم است که به جای آن یک اظهارنامه درآمدها به طور جداگانه برای برآورد نمودن درآمدهای آتی موسسه تجاری تألیف شود. بودجه دخل و خرج ضرورتاً با موقعیت مالی سازمان تجاری که در برگ موازنه ذکر می شود رابطه دارد.

کنترل بودجه

از آنجا که ما قبلاً بودجه را با تعریف «برآورد نیازهای آتی فعالیت های سازمان تجاری طی یک دوره مشخص» مورد بحث قرار دادیم, بنابراین اتخاذ فرآیندی با نام کنترل بودجه بسیار مفید خواهد بود که عبارتست از «فرآیند مقایسه نتایج حقیقی با داده های بودجه مربوطه برای درک علت حقیقی اختلافات». کنترل بودجه را همچنین به زیر تعریف کرد : «فرآیندی که یک استاندارد حقیقی را با نظارت دقیق حتی الامکان نزدیک به یک استاندارد از پیش تعیین شده نگه می دارد.»کنترل بودجه برای آگاهی از گستره منافع یا زیانهائی که در حال وقوع هستند مفید است.

آثار و پیامد کسری بودجه

کسری بودجه و تورم

ارتباط بین کسری بودجه دولت و تورم یکی از مهمترین مباحثی است که در اقتصاد کلان مورد بررسی قرار می گیرد. البته باید گفت در بسیاری از کشورها از سیاست کسری بودجه به عنوان ابزاری جهت اعمال سیاستهای مالی استفاده می شود که در اقتصاد ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته است، اما نکته مهم این است که کسری بودجه باید پدیده ای باشد که هدایتگر آن دولت بوده و هدف رسیدن به برخی متغیرهای دیگر از جمله رشد اقتصادی باشد در غیر این صورت و با وقوع کسری بودجه و پولی کردن تأمین آن حتماً به پدیده مخرب تر دیگری به نام تورم برخواهیم خورد.

رابطه بودجه و فساد

فساد مالی یک پدیده جهانی است اما شیوع و گستردگی این پدیده در کشورهای عقب مانده و در حال توسعه و غیردموکراتیک به عنوان یک بیماری مزمن و خصوصیت ویژه دولت ها به شمار می آید.

بودجه ريزی

تعاريف بودجه

ديدگاه‌ها، نظريه‌ها و تعاريف به زمان و مكان مربوط مي‌شوند. ديدگاه‌ها و تعاريف در مورد بودجه متاثر از نظريه‌هاي اقتصادي در مورد دولت است و ديدگاه‌هاي موجود در اين زمينه نيز تحت تاثير شرايط متفاوت سياسي، اقتصادي و فرهنگي جوامع است. به طور كلي در ميان انواع تعاريفي كه از بودجه به عمل آمده است سه دسته عمده را مي‌توان تشخيص داد:

الف ) تعاريفي كه بر جنبه سياسي بودجه تاكيد مي‌كنند.

ب ) تعاريفي كه بر جنبه اقتصادي و مالي بودجه تاكيد مي‌كنند.

ج ) تعاريفي كه بر جنبه برنامه‌اي و مديريتي بودجه تاكيد دارند.

تعريف بودجه از ديدگاه عرفي:

بودجه سندي مالي است، مربوط به درآمدها وهزينه‌هاي دولت.

تعريف بودجه از ديدگاه قانوني:

تاكنون چهار تعريف قانوني در قانون محاسبات عمومي كشور راجع به بودجه مطرح گرديده كه جديدترين آن‌ها مربوط است به قانون محاسبات عمومي كشورمصوب 1/6/1366 مجلس شوراي اسلامي در ماده يك اين قانون، بودجه‌ي كل كشور چنين تعريف شده است:

« بودجه كل كشور برنامه‌ مالي است كه براي يك سال مالي تهيه مي‌گردد و حاوي پيش بيني درآمدها و ساير منابع تامين اعتبار و برآورد هزينه‌ها براي انجام عمليات است كه منجر به نيل به سياست‌ها و هدف‌هاي قانوني مي‌شود و از سه قسمت به شرح ذيل تشكيل شده است:

1 ـ بودجه عمومي دولت كه شامل اجزاي زير است:

الف) پيش بيني دريافت‌ها و منابع تامين اعتبار كه به طور مستقيم يا غير مستقيم در سال مالي قانون بودجه از طريق حساب‌هاي خزانه‌داري كل اخذ مي‌گردد.

ب ) پيش بيني پرداخت‌هايي كه از محل درآمدهاي عمومي يا اختصاصي براي اعتبارات جاري و عمراني و اختصاصي دستگاه‌هاي اجرايي مي‌تواند در سال مالي مربوط انجام گيرد.

2 ـ بودجه‌ي شركت‌هاي دولتي و بانك‌ها ؛ شامل پيش بيني درآمدها و ساير منابع اعتبار.

3 ـ بودجه‌ي موسساتي كه تحت عناويني غير از عناوين مذكور در بودجه‌ي كل كشور منظور مي‌شود.»

اصول بودجه

بر تهيه، تنظيم و پيشنهاد لايحه‌ي بودجه به دست دولت و همچنين تصويب آن توسط نمايندگان مجلس اصولي مترتب است كه عبارتند از:

1 ـ ساليانه بودن بودجه

2 ـ وحدت بودجه

3 ـ جامعيت بودجه

4 ـ شامليت يا تفصيل

5 ـ تخصيص و عدم تخصيص

6 ـ انعطاف پذيري

7 ـ تخميني بودن

8 ـ تعديلي بودن

9 ـ تعادل

1 ـ اصل ساليانه بودن بودجه:

بودجه به عنوان برنامه مالي داراي يك دوره زماني است كه در ايران يك سال شمسي تعريف شده است و آن را سال مالي مي‌نامند كه عموماً از آغاز فروردين تا پايان اسفند هر سال است. دليل ساليانه بودن اين دوره اين است كه تهيه و تنظيم بودجه چندين ماه وقت لازم دارد و هزينه زيادي هم مي‌برد پس بودجه‌ي چند ماهه توجيه اقتصادي ندارد و نيز بودجه‌اي كه براي بيش از يكسال باشد دقت كافي را در پيش بيني‌ها و برآوردها نخواهد داشت. ضمناً چون در ايران درآمدهاي دولت در گذشته بيشتر ماليات بر محصولات كشاورزي بوده است و كشاورزي فرآيندي ساليانه است، بودجه هم بر همين رسم باقي مانده است.

2 ـ اصل وحدت بودجه:

براي جلوگيري از دوباره‌كاري‌ها و اتلاف وقت دولت و مجلس در اين اصل توصيه مي‌شود دولت درآمد و مخارج كليه دستگاه‌هايي كه مستقيم يا غير مستقيم از منابع دولتي استفاده مي‌كنند يا بخشي از كارهاي دولت را بر عهده دارند را يك‌جا محاسبه كرده و در يك بودجه واحد يك‌باره به مجلس ارائه دهد. البته متمم بودجه كه در شرايطي خاص ارائه مي‌شود يكي از موارد استثنا بر اصل بودجه است.

3 ـ اصل جامعيت بودجه:

بر طبق اين اصل دولت بايد كليه درآمدها و مخارج خود را به هر صورتي كه هست اعم از جاري، عمراني و دستگاهي ـ در سند بودجه جمع‌آوري كرده و به مجلس ارائه كند و نيز ارقام ذكر شده در بودجه بايد ناخالص بوده و درآمدها و هزينه‌ها از يكديگر كسر نگردد. يعني مثلاً وزارت دارايي كليه ماليات‌هاي دريافتي را بدون كسر هزينه‌هاي خود به خزانه‌ تحويل دهد و هزينه‌هاي خود را از راه بودجه مجدداً دريافت نمايد.

4 ـ اصل شامليت يا تفصيل:

اين اصل توصيه مي‌كند كه بودجه دولت به صورت مشروح و به تفصيل تهيه شود و براي آگاهي عموم انتشار يابد. درآمدها بايد به صورت دستگاهي و موضوعي طبقه بندي شود و هزينه‌هاي هر دستگاه به صورت اعتبارات جاري و عمراني تعيين گردد. اعتبارات عمراني به تفكيك طرح‌هاي ملي و استاني برآورده شده و بودجه درج گردد.

5 ـ اصل تخصيص و عدم تخصيص:

با رعايت اصل تخصيص تمام ارقام مندرج در بودجه بايد به همان شكل و ترتيب قرار گرفته در جداول كه به تصويب مجلس هم رسيده است تخصيص يافته و مصرف شود. هزينه‌هاي هر دستگاه بايد در قالب همان برنامه و همان پيش‌بيني هزينه، مصرف شود. اصل عدم تخصيص بيان مي‌كند كه درآمدهاي خاص نبايد بدون طي روند بودجه‌ريزي صرف هزينه‌هاي خاص گردد.

6 ـ اصل انعطاف پذيري:

تغيير و جابه جايي در فصول هزينه و برنامه‌هاي دستگاه بدون آنكه در جمع اعتبارات مصوب تغيير ايجاد شود و يا جابه‌جايي اعتبارات از دستگاهي به دستگاه ديگر يا از طرحي به طرح ديگر كه در زمان نوسانات شديد و غيرمنتظره اوضاع اقتصادي كشور بيشتر به كار مي‌رود. روش‌هاي انعطاف‌پذيري هر ساله در تبصره‌هاي قانون بودجه پيش‌بيني مي‌گردد.

7 ـ اصل تعادل:

اين اصل به حفظ موازنه‌ي ميان درآمدها و مخارج اشاره دارد به طوري كه دولت بتواند بدون استقراض تعهدات مالي خود را بپردازد. اين نظريه‌ي مربوط به اقتصاد‌دانان كلاسيك است و در شرايط كنوني كاربرد چنداني ندارد و براي توسعه اقتصادي از سياست كسر بودجه استفاده مي‌شود و برخي مواقع عدم تعادل بودجه براي رشد اقتصادي حتي مفيد تلقي مي‌شود. در زمان ما اصل تعادل اقتصادي مد نظر است نه تعادل اعداد و ارقام بودجه. البته هيچ بودجه‌اي بدون تعادل حسابداري به تصويب نمي‌رسد، پس تعادل حسابداري با تعادل اقتصادي متفاوت است.

تعادل حسابداري عدم اختلاف ميان رقم هزينه‌ها و رقم درآمدهاست، در صورتي كه تعادل اقتصادي بودجه يعني بودجه به نحوي تهيه و تنظيم گردد كه در مسير سياست‌هاي كلان اقتصادي جامعه كه ماحصل آن ثبات قيمت‌ها، ايجاد اشتغال، توسعه و رشد اقتصادي است، حركت كند. حال ممكن است در اين ميان دولت با كسري بودجه، مازاد و يا تعادل بودجه‌اي روبه رو باشد.

نقش بودجه

بودجه در راستاي سياست‌هاي اقتصادي و اجتماعي دولت‌ها داراي چهار نقش اساسي است كه عبارتند از:

1 ـ تامين كالاها و خدمات عمومي

اين نوع كالاها در بازار وجود ندارند و قابل خريد و فروش نيستند عرضه آن‌ها به عهده دولت است و هزينه آن‌ها به صورت ماليات از طريق بودجه يا به طور مستقيم از مردم جامعه دريافت مي‌گردد. نمونه اين نوع كالاها عبارتند از پارك‌ها، راه‌ها، خدمات پستي، خدمات امنيتي و ...

2 ـ تامين عدالت اجتماعي

فقرزدايي و بهره‌مندي تمام اقشار جامعه‌ مي‌تواند از اهداف بودجه باشد. دولت در تحقق بخشيدن به هدف تامين عدالت اجتماعي مي‌تواند تركيب درآمدهاي مالياتي و همچنين كم و كيف هزينه‌هاي بودجه را به نحوي تنظيم كند كه در كم كردن فاصله طبقاتي و تعديل توزيع درآمد افراد موثر باشد با مطالعه بودجه مي‌توان مشخص كرد كه استفاده كنندگان از هزينه‌هاي دولت كدام اقشار و طبقات جامعه هستند و از طرف ديگر بار تامين منابع درآمد اين هزينه‌ها بر دوش كدام يك از طبقات مردم جامعه است.

3 ـ تامين توسعه اقتصادي

با مطالعه بودجه‌ي دولت‌ها از نظر نسبت اعتبارات تملك دارايي‌هاي سرمايه‌اي به اعتبارات هزينه و نيز روند حجم اعتبار طرح‌هاي زيربنايي مي‌توان ميزان و پيشرفت جامعه را به سوي رشد اقتصادي ارزيابي كرد.

4 ـ تامين ثبات اقتصادي

دولت‌ها از طريق وصول درآمدها و انجام هزينه‌هاي بودجه‌اي، در عرضه و تقاضاي كل جامعه اثر مي‌گذارند. در شرايط تورمي دولت با اعمال سياست انقباضي هزينه‌هاي خود را كاهش يا ماليات را افزايش مي‌دهد تا تقاضاي كل را كاهش دهد و همچنين در دوره ركود و شيوع بيكاري با اعمال سياست‌هاي انبساطي، درآمدهاي مالياتي خود را كاهش يا هزينه‌هاي خود را افزايش مي‌دهد تا تقاضاي كل را افزايش داده و قدرت خريد را به جامعه تزريق كند.

برنامه اقتصادی

برنامه عبارت از تعین هدف معقول وپیش بینی راه رسیدن به ان است .

برنامه عبارت از،نوعی تعهد به انجام فعالیت های معین برای تحقق هدف بشمار میرود .

برنامه عبارت از جریان یا فرایندی ست که مراحل مشخص وپیوسته دارد .

برنامه عبارت از فکر کردن راجع به اینده و اتخاذ راهکردها است .

برنامه عبارت از جریان ارزیابی است که در پایان ان ،در انتخاب حقایق ارزیابی شده تصمیم گیری میشود. برنامه عبارت از بیانی روشن ،مستند ومشروح از مقاصد وتصمیمات است .

تصمیم گیری در مورد اینکه چه کاری باید انجام گیرد .و یا هم برنامه عبارت از

 طرح قبلی است برای رسیدن به شکل منظم وسیستماتیک به هدف تعین شده .

و یا هم میتوان برنامه ریزی را با دقت بیشتر تعریف کرد :

برنامه ریزی عبارت از طرحها واقدامات لازم به منظور براوردن ( اهدف ، ارمانهای،طرحها )می باشد .

برنامه ریزی عبارت از تصمیم گیری در مورد اینکه چه کارهای بایدانجام گیرد .

برنامه ریزی عبارت از تصور وطراحی وضعیت مطلوب ،ویافتن وپیش بینی کردن راها و وسایلی به منظور رسیدن به وضعیت مطلوب .

برنامه ریزی عبارت از طراحی عملیاتی برای تغیر یک شی ،یا موضوع ،برمبنای نمونه پیش بینی شده میباشد.

پس گفته میتوانیم که برنامه ریزی مجموع تدابیر منسجم است ،که در پرتو قوانین عینی طرح میگردد تا جامعه بتواند اهدافی را که قبلا در رشته های مختلف از قبیل (صنعت ،زراعت ،مالدری ،حمل ونقل،صحت عامه ،معادن ،تعلیم تربیه ، شهرسازی) تعین نموده براورده سازند .و اگر تعریف برنامه ریزی را به یک ارگان محدود سازیم پس برنامه ریزی عبارت از مجموعه تدابیر است که یک مقام جهت رسیدن به یک ویا چندین هدف معین در یک مدت معین پشبینی میکند .

واین عمل باعث به وجود امدن حالت ویا وضعیت مساعد در همان ارگان میگردد .

برنامه ریزی عبارت از فرایند است پیوسته، که پیش از اغاز هر تصمیمی اغاز شده و پس از اجرای ان تصمیم ادامه میابد .

برنامه ریزی عبارت از بیان روشن مستند وشرع از مقاصد تصمیمات است .